

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۸ اپریل ۲۰۱۲

## "تاریخ، نبرد طبقاتی"

یک اثر کوبنده بر فرق خاینان ملی به فرزندان صدیق کشور تقدیم می شود

شاد روان پاغر و "سازمان انقلابی افغانستان" یکی از بزرگترین کتب تاریخ میهن را به کلیه مبارزان راستین، انقلابیون و ملی گرایان واقعی کشور پیش کش می کند. جای این کتاب تا حال خالی بود. هیچ مؤرخ یا ایندم از خود شهادتی بروز نداده تا تاریخ کشور را در بُعد طبقاتی آن بنویسد و مورد ارزیابی قرار دهد. عده ای از مؤرخین به ستایش رهبران ضد ملی و وابسته به اجانب پرداخته و عده دیگر هم تاریخ را از دیدگاه های تاریک و تعصبات دینی؛ نژادی و قومی به ذوق و سلیقه خاص خویش به رشته تحریر درآورده و چند صفحه ای را سیاه کرده اند. این اثر انقلابی توانسته این خلای بزرگ تاریخی را بالاخص در این لحظاتی که قشر عظیمی از انقلابی نماهائی مضحک و ملی گرایان متقلب در تار عنکبوت استعمار گیر افتاده اند، پر کند.

تاریخ نگاری با همه کم و کاستی هایش، سابقه طولانی در کشور ما دارد. اما در مجموع نبود مباحث تیوریک به ارتباط حوادث تاریخی و فقدان تحلیل سیستماتیک جریانات تاریخی، آثار اکثر مؤرخین را برای منتقدین به سهولت آسیب پذیر ساخته است. اکثر مؤرخین ما نتوانسته و یا نخواسته اند رابطه بین رشد و تکامل علم تاریخ و گسترش مباحث نظری و عقلی تاریخ را پیوند دهند. طیف دیگری از مؤرخین، تاریخ را آزمایشگاه عملکرد نیرو های فوق طبیعت دانسته و نقش نیرو های واقعی چرخ دهنده تاریخ را نادیده انگاشته اند. همین جاست که کتاب "تاریخ، نبرد طبقاتی" وارد کارزار می شود و این خلای عظیم در تاریخ کشور را تا جائیکه شرایط سیاسی کشور و توانائی علمی و دماغی نویسنده و نویسندگان اجازه داده، پر می کند.

تاریخ نگاری صرفاً توصیفی و نقلی به درد توده های عظیم مردم ما نمی خورد، مگر این که با دلیل و برهان و تحلیل علمی حوادث همراه باشد. آگاهی از تاریخ و فهم بحران های سیاسی و اجتماعی گذشته، بررسی کارنامه سیاه قشر حاکم زورگو، درک موفقیت ها و شکست های اقشار و طبقات روشنفکر و مبارز در رویارویی با حاکمان داخلی و حامیان اجنبی شان، افشای خیانت خاینان به کشور و پی بردن به عملکرد امپریالیسم ایجاب می نماید تا تاریخ را عمیق تر نسبت به گذشته مطالعه نمود. این را هم باید دانست که تاریخ تنها و تنها توضیح اعمال امپراتور

ها، شاهان و قهرمان پرستی های تهوع آور نیست که امروز یک عده ای از مؤرخین چهره سیاه و کاسه لیسان ارتجاع در آن منهمک اند.

تحلیل و ارزیابی تاریخ بدون تعصب و کتمان، ما را به سوی درک واقعی رسالت مردمی رهنمون می کند و راه منطقی فهم تاریخی را به ما نشان می دهد. درست همین نکته است که شاد روان "پاغر" و "سازمان انقلابی افغانستان" در راستای انجام رسالت خود در تدوین "تاریخ، نبرد طبقاتی" گام جدیدی را در پهلوی تحقیقات متداول برداشته و تاریخ کشور را به نحوی علمی و سیستماتیک آن مورد کاوش و ارزیابی قرار داده اند. این اثر دور از تعصبات قومی، نژادی، مذهبی و سمتی به رشته تحریر درآمده و اقامه می نماید که در هر دوری از پادشاه گردشی، این کتله های عظیم مردم بوده اند که مصیبت را بیشتر متحمل شده بدون این که سهم مثبتی را نصیب گردیده باشند. توده ها چرخ دهنده تاریخ بوده اند اما نسبت تسلط و حاکمیت سیستم "ارباب - رعیتی"، نتوانسته اند که از مبارزات خویش بهره گیرند. "تاریخ، نبرد طبقاتی" حاکمیت فیودالیسم و سیستم بیرحمانه بهره کشی "ارباب - رعیتی" نیمه دوم قرن ۱۸ و تمام قرن ۱۹ و جوانه های سرمایه داری قرن ۲۰ و حوادث دهه اول قرن ۲۱ افغانستان را با وضاحت کامل تشریح نموده و خواننده را درکل به ماهیت ضد انسانی - طبقاتی نظام فیودالی و مابعد آن آشنا می سازد. این اثر ارزشمند بیان می کند که امیران فاسد (فیودال های اول) برای بقای خود و تداوم نظام فاسد فیودالی چطور خود را در نوکری و چاکری اجانب قرار داده و با استفاده از حاکمیت سیستم فیودالی، دهقانان و زحمت کشان را به بازیچه می گرفتند که این حالت تا اکنون هم به اشکال مختلف ادامه یافته است.

کتاب "تاریخ، نبرد طبقاتی" قانونمندی تاریخ افغانستان را در سیر تاریخی آن به درستی تشخیص و با دقت لازم مورد ارزیابی قرار داده است. این کتاب در شناخت تحولات کشور، عوامل مؤثر در وقایع تاریخی و در مجموع قوانین عمومی حاکم بر رشد و توسعه جامعه قرون ۱۸، ۱۹ و ۲۰ افغانستان معلومات قابل ملاحظه ای در اختیار محققین قرار می دهد. من پیشنهاد می نمایم که محققین بایست روش تحقیقاتی این کتاب را در مطالعات و ارزیابی حوادث تاریخی کشور به کار ببندند تا دور از تعصبات نژادی، مذهبی، زبانی و قومی بتوانند عمیقتر و منصفانه تر علت و معلول تاریخی را بکاوند و مطالعه تاریخ افغانستان را از حالت مکانیکی آن خارج سازند.

کاش زنده یاد "پاغر" حیات می داشت تا پیشنهادات خود را در ارتباط تجدید چاپ این اثر برجسته به آن بزرگ مرد تقدیم می کردم. خوشبختانه "سازمان انقلابی افغانستان" و سایر مبارزان راه آزادی می توانند نبود آن روانشاد را پر کرده و در اصلاح و تجدید نظر بعضی مطالب تاریخی سعی ورزند. من به این عقیده ام که این اثر تابناک بعد از ویراستاری های لازم باید منحه یک کتاب درسی برای متعلمان افغان عرضه گردد. این را هم می دانم که عناصر ارتجاعی و وابسته به اجانب در صدد محو این کتاب با اهمیت برخواهند خاست. لاکن بر همه مبارزان راه آزادی واجب است که علی رغم هر نوع سنگ اندازی و کارشکنی، کتاب "تاریخ، نبرد طبقاتی" را عمومیت بخشیده و در تجدید چاپ بهتر آن سعی بلیغ به خرج دهند.